



A Comparative Analysis of the Indicators of the Pharaohic System in the Quran and Contemporary Imperialistic Regimes *

Jafar Karimi Quddousi¹

Abstract



The Holy Quran articulates the traits of tyrannical and oppressive leaders across various verses, employing terms such as "tyrants," "arrogant ones," "oppressors," "luxuriators," "corruptors," and "transgressors." Notably, the term "Pharaoh" appears 74 times, epitomizing the archetype of arrogant rulers throughout history. This frequent mention of Pharaoh serves to highlight the characteristics and behaviors associated with imperialistic regimes, allowing individuals to identify these rulers and recognize their shared methodologies. The divine principles concerning tyrants remain constant and universally relevant. This study adopts a descriptive-analytical approach, drawing on verses from the Holy Quran, as well as exegetical, hadith, and historical texts, to explore specific indicators and overarching traits of the Pharaohic system, comparing them with modern tyrannical and imperialistic governments. The research identifies several tactics employed by Pharaoh in his resistance to the divine mission of Moses (peace be upon him) and his followers. These tactics have been utilized by imperialistic powers throughout history to undermine divine leaders and anti-tyrannical movements, seeking to stifle calls for justice and freedom while preserving their authority. Key indicators include arrogance and a sense of superiority, disbelief and obstinacy, defiance against truth, autocratic governance and the suppression of public liberties, widespread humiliation and oppression, incitement of discord and the establishment of a class hierarchy, extravagance and elitism, the manipulative use of religion and sacred beliefs, breach of commitments, the cultivation of an atmosphere of fear and intimidation, and the delusion of power and stability within the oppressive regime. These indicators are widely employed as tools by contemporary colonial and despotic systems, contributing to the widespread oppression of humanity across various regions of the world.

Keywords: Indicators, Colonialism, Oppression, Pharaohic System, Tyrannical Regimes, Imperialistic (Istikbari) Systems.

*. **Date of Receiving:** 25 - 1 - 2023, **Date of Approving:** 3 - 1 - 2024.

1. Assistant Professor of Al-Mustafa International University: ms.karimi3794@gmail.com.



بررسی تطبیقی شاخص‌های نظام فرعونی در قرآن و نظام‌های

استکباری نوین *

جعفر کریمی قدوسی^۱



چکیده

قرآن کریم در آیات متعددی نشانه‌های حاکمان مستکبر و مستبد و ویژگی‌های این حکومت‌ها را با عنوان‌های کلی «طغیانگران»، «مستکبرین»، «ظالمین»، «مترفین»، «مفسدین» و «معتدین» بیان کرده و از میان همه آنان نام «فرعون» را ۷۴ مرتبه تکرار کرده و از او به‌عنوان نمونه‌ای از حاکمان مستکبر در همیشه زمان یاد کرده است. تکرار نام و داستان فرعون، درحقیقت بیان شاخص‌ها و نشانه‌های نظام‌های استکباری است تا مردم آنان را بشناسند و بدانند که اینان نیز راه آنان را می‌روند، شیوه‌ها و روش‌هایشان یکی است و سنت الهی درباره همه مستکبران، به‌صورت یکسان و همیشه جاری است. در این مقاله، با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از آیات قرآن کریم و منابع تفسیری، حدیثی و تاریخی، به بررسی برخی از شاخص‌ها و خصوصیات کلی نظام فرعونی و تطبیق آن با نظام‌های طاغوتی و استکباری امروزی پرداخته‌ایم. براساس یافته‌های پژوهش، برخی از شاخص‌هایی که از سوی فرعون در مقابله با قیام الهی موسی (علیه السلام) و قومش به کار گرفته شده و نظام‌های استکباری از گذشته تا امروز، در مقابله با رهبران الهی و قیام‌های ضداستبدادی برای جلوگیری از ندای حق‌طلبی و آزادی‌خواهی و تداوم سلطه به کار برده‌اند عبارت‌اند از: استکبار و برتری‌جویی، کفر و عناد، سرکشی و سرپیچی از حق، استبداد رأی و سلب آزادی‌های عمومی، استخفاف و استضعاف همه‌جانبه، ایجاد اختلاف و استقرار نظام طبقاتی، اسراف‌کاری و اشرافی‌گری، استفاده ابزاری از دین، مقدسات و اعتقادات مردم، پیمان‌شکنی، ایجاد فضای ترس و تهدید، توهم اقتدار و پایداری نظام سلطه. این شاخص‌ها به‌صورت گسترده به‌عنوان ابزاری برای نظام‌های استعماری و استبدادی امروز عمل کرده و استضعاف انسان‌ها را در پهنه و سیعی از جهان رقم زده است.

واژگان کلیدی: شاخص، استعمار، استضعاف، نظام فرعونی. نظام‌های طاغوتی، نظام‌های استکباری.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳.

۱. استادیار جامعة المصطفی ص العالمية: ms.karimi3794@gmail.com



۱. مقدمه

در طول تاریخ، پیامبران الهی از سوی خداوند آمده‌اند تا بشر را به سوی سعادت و کمال هدایت کرده، از حاکمیت طاغوت‌ها آزاد بسازند (نحل/۳۶. شعراء/۱۶-۱۷. نازعات/۱۷). جامعه‌ای برپایه احکام دینی، ارزش‌های معنوی و عدالت اجتماعی (نساء/۵۸ و ۱۰۵؛ مائده/۴۲؛ حدید/۲۵) برپا کرده با پیروی و اطاعت امت‌ها از آنان (نساء/۱۳، ۶۴ و ۸۰؛ حشر/۷). نظام مبتنی بر «حاکمیت و ولایت الهی» (مائده/۵۵-۵۷) را در همه ابعاد آن مستقر سازند و آنان را به سعادت دنیا و آخرت برسانند (نساء/۱۳ و ۶۹؛ نور/۵۲؛ احزاب/۷۱؛ فتح/۱۷؛ ابراهیم/۲۷).

اما آنچه پیوسته به عنوان بزرگترین مانع سر راه پیامبران و بزرگترین سد در برابر مسیر کمال و سعادت انسان قرار داشته، «شیاطین جنّ و انس» بوده‌اند که در قالب حاکمان مستکبر و مستبد تجلّی یافته، برای رسیدن به منافع مادی و حفظ قدرت خود در برابر پیامبران و رهبران آزادی و سعادت و منادیان توحید و عدالت، به مخالفت برخاسته، با استفاده از تمامی ابزارها و قدرت مادی، تبلیغاتی و نظامی که در اختیار داشته‌اند، تلاش کرده‌اند تا مانع نشر حقایق دینی، بیداری مردم و ایمان آنان به پیامبران و رهبران الهی شده با انواع توطئه‌ها و کارشکنی‌ها، آنان را در تحقق اهداف بلند رسالت و آرمان‌های دینی و انسانی‌شان ناکام سازند (انعام/۱۱۲).

از این رو، نخستین پیام تمام پیامبران الهی، بدون استثناء، همراه با دعوت به توحید، نهی از پذیرش هر نوع ولایت، حاکمیت و حکمیت طاغوت (بقره/۲۵۷؛ نساء/۵۱-۵۲ و ۶۰؛ هود/۶۰-۵۹-۹۸-۹۷؛ حج/۴-۳؛ زمر/۱۷). و نفی هر نوع «عبادت»، «اطاعت» و «خضوع» در برابر هر معبودی غیر از خدای یکتا، اعم از بت‌ها، شیطان‌ها و انسان‌ها بوده است (نحل/۳۶).

قرآن کریم، شرط اساسی رسیدن به ولایت خاص الهی و قرارگرفتن در معرض تابش نور معرفت حق و راه یافتن به کمال توحیدی را از آن کسی دانسته است که ابتدا تمامی جلوه‌های «ولایت طاغوت» را از صفحه قلب و فکر خود پاک کند و به آن کفر ورزیده، همه تاریکی‌ها و ظلمت‌های کفر و شرک و قذارت عبودیت غیر حق را از صفحه جان و دل خود شستشو دهد، سپس از اعماق وجود خود به خدا ایمان بیاورد. آن کسی می‌تواند به حلقه استوار و پایدار «توحید» چنگ زند که سر رشته آن وابسته و پیوسته به قدرت مطلق، بی‌زوال و ناگسستنی الهی است و از بندهای سست و ازهم‌گسیخته «طاغوت‌ها» رهایی یافته باشد (بقره/۲۵۶). و این معنای توحید ناب و مفهوم حقیقت بلند و شعار پرمحتوای «لا اله الا الله» است.

چنان‌که در صحنه جامعه نیز طاغوت‌ها و مستکبران، با نفوذ و نقشی که در تمامی ارکان جامعه پیدا کرده و با استفاده از قدرت و ثروت نامشروعی که در اختیار دارند، سازمان‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی که در قبضه خود گرفته‌اند، پیوسته مظاهر کفر و شرک و فساد را در جامعه گسترش داده و مسیر حرکت عمومی جامعه، روبه‌روز با تداوم حاکمیت آنان، هرچه بیشتر به سوی ظلمت و تاریکی گناه و ستم و دوری از عدل و ایمان سوق می‌یابد. تنها راه اصلاح همه‌جانبه، در آغاز، مبارزه با ائمه کفر (توبه/۱۲)، به زیرکشیدن آنها از مسند قدرت و نجات جامعه از سلطه ظالمانه آنان است؛ چراکه نقش اساسی در پیشرفت یا عقب‌ماندگی هر جامعه را قبل از هر چیز، رهبران آن برعهده دارند. نخستین گام در راه اصلاح جامعه و نجات آن از مظالم و مفساد اجتماعی و انحرافات، اصلاح و هدایت کسانی است که نبض سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به دست گرفته‌اند تا نظام طاغوت حاکم باشد و اصلاحات فردی و موردی راه به جایی نمی‌برد.

ازاین‌رو، مبارزه با طاغوت‌ها و قدرت‌های استکباری، در رأس اهداف و برنامه‌های پیامبران الهی بوده است. قرآن کریم نابودی سردمداران اصلی ظلم و فساد را نخستین گام در نهضت انبیاء الهی دانسته و نشانه‌های اشراف و سران صاحب قدرت و ثروت را در آیات متعدد با عنوان‌های کلی «طغیانگران»، «مستکبرین»، «ظالمین»، «مفسدین»، «معتدین»، «ملا» (هود/۲۷؛ مؤمنون/۳۳-۳۴؛ اعراف/۶۰، ۶۶، ۷۵، ۸۸، ۹۰، ۱۰۹، ۱۲۷؛ مؤمنون/۲۴؛ یونس/۸۸) و «مترفین» (سبا/۳۴؛ زخرف/۲۳)، یاد کرده و آنان را دشمنان راه انبیاء معرفی می‌کند.

از میان همه آنان، نام «فرعون» را ۷۴ مرتبه تکرار کرده و روشن است که نام بردن مکرر از فرعون صرفاً به‌عنوان بیان داستانی تاریخی مربوط به یک شخص نبوده؛ بلکه معرفی او به‌عنوان پیشرو طاغوتیان تاریخ، پیشگام در گرفتارشدن به عذاب الهی و نمونه‌ای از حاکمان مستکبر در همیشه زماناست (زخرف/۵۶).

بنابراین تکرار نام فرعون، برای بیان شاخص‌های نظام‌های استکباری و چگونگی برخورد معاندان حق در برابر حق‌طلبان در هر زمان است تا مردمان آنان را شناخته، فریب نیرنگ‌هایشان را نخورده، تسلیم زورگویی‌هایشان نشده، به مبارزه بی‌امانشان با آنان ادامه دهند. بدانند که اینان نیز راه آنان را می‌روند، روش‌هایشان یکی است. سرانجام به همان سرنوشت هم گرفتار خواهند شد. ثروت و قدرت طغیانگران نخواهد توانست آنها را از عذاب خداوند نجات دهد و سنت الهی در مورد همه مستکبران، به‌صورت یکسان و همیشه جاری است.

قرآن می‌فرماید: ﴿كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (آل عمران/۱۱؛ انفال/۵۲ و ۵۴).



۲. پیشینه

مفسران اسلامی، اعم از شیعه و سنی، به تفسیر آیات قرآن در موضوع سرگذشت حضرت موسی (علیه السلام) و فرعون پرداخته‌اند. در کتب حدیث و تاریخ و دیگر متون دینی نیز، ابعاد گوناگون این موضوع ذکر شده است. کتبی به‌عنوان قصص انبیاء و کتب تحلیلی تاریخی در زمینه تاریخ زندگی آن حضرت و برخورد او با فرعون زمانش نیز تدوین شده است؛ اما در مجموعه این آثار آنچه بیشتر مدنظر بوده و مطرح است، جنبه تاریخی و قرآنی موضوع بوده است. با نگاهی به منابع موجود، تحقیقی در موضوع «شاخص‌های نظام فرعون»، به‌صورت دسته‌بندی‌شده، مستقل، تطبیقی و تحلیلی، تا آنجا که در امکان نویسنده بود و مورد بررسی قرار گرفت، نگارش نیافته است. آنچه در جستجوی منابع از طریق اینترنت نیز به دست آمد، تدوین پایان‌نامه‌ای در سطح کارشناسی ارشد با این عنوان بود که متن و نسخه‌های آن در اختیار مراکز علمی و دانشگاهی مربوط قرار داشت و امکان دسترسی و بررسی موضوعات و چگونگی محتوا و مطالب مطرح‌شده در آنها فراهم نگردید.

۳. مفهوم‌شناسی

الف. شاخص

منظور از «شاخص»‌های نظام فرعونی، بیشتر نشانه‌ها و علامت‌هایی است که از مبانی فکری و اعتقادی نظام سلطه یا خصوصیات روحی و اخلاقی مستکبران و سلطه‌طلبان سرچشمه گرفته و پایه‌های اصلی نظام استکباری در هرزمان، براساس آنها بنا شده است و شیوه‌ها و روش‌های اجرایی و عملی آنان از آنها برخاسته است؛ اما آنچه بیشتر مربوط به مقام اجرا از سوی قدرت‌های استکباری و طاغوتی بود، شیوه و روش‌های عملی آنان برای پیشبرد اهداف شئوم و شیطانی و استحکام پایه‌های سلطه خود به کار می‌گیرند؛ مانند: تحقیر و تمسخر مخالفان، تهمت سحر و جنون به آنان، نسبت ناروای دروغگویی، استفاده از روش تطمیع و... در این مقاله مورد بررسی قرار نگرفته است.

ب. فرعون

فرعون، اسم جنس و لقب پادشاهان مصر است. پیش از فتح مصر به دست کمبوجیه، پادشاه ایران، بیست‌وشش سلسله پادشاهان بر مصر حکومت کردند که هریک از افراد آن سلسله‌ها را «فرعون» و مجموع آنها را «فراعنه» می‌نامند. لفظ فرعون ۷۴ مرتبه در قرآن آمده است (۶۶ بار در سوره‌های مکی و ۸ بار در سوره‌های مدنی؛ روحانی، المعجم الاحصائی، ۱۳۶۶: ۱۰۸۱/۳) و همه جا مقصود، فرعون عصر موسی (علیه السلام) است؛ اما از فرعون عصر یوسف (علیه السلام) به‌عنوان «ملک» یاد شده است (خزائلی، اعلام قرآن، ۱۳۵۰: ۴۸۱-۴۸۲).

۴. روش تحقیق

روش تحقیق تحلیلی - توصیفی با استفاده از مرور هدفمند منابع کتابخانه‌ای است. در این روش با استفاده از متن آیات قرآن کریم و بهره‌گیری از منابع معتبر تفسیری، حدیثی و تاریخی، به بررسی و تحلیل ابعاد موضوع، با روش تطبیق و مقایسه‌ای پرداخته شده است.

تشریح برخی از شاخص‌هایی که نظام‌های طاغوتی و استکباری در مقابله با رهبران الهی و پیام‌های ضداستبدادی، برای جلوگیری از تابش نور توحید و خاموش کردن فریاد حق‌طلبی و آزادی‌خواهی و اعمال سلطه ظالمانه و استعماری خود به کار می‌برند و نمونه‌های آن از سوی فرعون در مقابله با قیام الهی موسی (علیه السلام) و قومش به کار گرفته شده، در این مقاله با استفاده از نزدیک به ۱۵۰ آیه از آیات قرآن، با نگاهی نو و علمی به آن پرداخته شده است.

این موضوع، با توجه به شرایط کنونی جهانی، به‌ویژه «بیداری اسلامی» ملت‌های مسلمان و قیام دیگر ملت‌ها در مناطق گوناگون، در برابر استکبار و صهیونیسم بین‌الملل و لزوم آگاهی همگان از سیاست‌ها و دسیسه‌ها و نیز شیوه‌ها و روش‌های مستکبران و شناخت راه‌های مقابله با آنها، آشنایی با عوامل و بایسته‌های دستیابی به پیروزی در برابر فشارها و توطئه‌های آنان، ازجمله نیازهای روز امت اسلامی و دیگر ملت‌هاست تا با تکیه بر قرآن و کلام الهی راه رشد و هدایت به صراط مستقیم را یافته، اراده آنان در مبارزه با مستکبران و مستبدان سست نشده، مسیر حرکتشان دچار انحراف نگردد و فریب دغل‌کاران و سیاست‌بازان را نخورند. این تحقیق از این جهت نیز می‌تواند تحقیقی کاربردی به شمار آید.

۵. شاخص‌های نظام فرعون

اکنون برخی از شاخص‌های کلی نظام فرعونی را در تطبیق با نظام‌های استکباری مورد بررسی قرار می‌دهیم تا چهره حاکمان مستکبر و مستبد در هر زمان روشن‌تر شود:

یک. استکبار و برتری‌جویی

تکبر از زشت‌ترین خصلت‌های انسانی، سرچشمه بسیاری از صفات زشت دیگر است که منشأ انواع گناهان، حتی کفر، می‌باشد. تا آنجا که بسیاری از مفاسد و مشکلاتی که برای افراد و جامعه بشری پیش آمده، مانع تکامل انسان در ابعاد مادی و معنوی شده، ریشه آن در صفت رذیله استکبار است.

استکبار از ریشه (کبر) گرفته شده است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن ۱۳۶۰/۱۰/۱۹-۲۰). برخی لغویان آن را به معنای خودخواهی، خودبرتربینی و برتری‌جویی و نیز به مفهوم برتری‌خواهی و استکبار معنا کرده‌اند (ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۳/۱۲). امتناع از



پذیرش حق از روی عناد، همچنین تکبر و خودبزرگ‌بینی دروغین است. جوهری «کَبَر» را بزرگ شده و کبر را عظمت و کبریا معنا کرده است (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷/۲/۸۰۱-۸۰۲). ازهری می‌گوید: «استکبار عبارت از خودداری از پذیرش حق از روی دشمنی و تکبر است.» (ازهری، تهذیب اللغة، بی‌تا، ۱۲۱/۱۰).

در اطبیب البیان آمده است «تکبر و کبر در معنا متفاوت است. کبر صفت نفسانیه است و ممکن است در نفس این صفت خبیثه را داشته باشد، لکن اظهار نکند و تکبر این است که آثار کبر را ظاهر کنند و عقوبت آن اشد است؛ بلکه شامل بسیاری از معاصی می‌شود؛ مانند ظلم و تعدی و طغیان و سرکشی و نحو اینها، و استکبار این است که بزرگی را به خود ببندد.» (طبیب، اطبیب البیان، ۳۱۸/۵/۱۳۷۸). شیخ طوسی استکبار را به معنای طلب کردن بزرگی بیش از اندازه می‌داند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا، ۴/۵۱۴). در المیزان نیز آمده است: استکبار و تکبر انسان به این معنا است که خود را بزرگ شمرده و در موضعی قرار دهد که شایستگی و لیاقت آن را ندارد و این از ردائل اخلاقی است. لازم به ذکر است که کلمه تکبر هم در مورد خدا استعمال می‌شود و هم در مورد خلق، اما کلمه استکبار در مورد خدا قابل استعمال نیست؛ زیرا استکبار به معنای طلب بزرگی است و این در مورد خداوند متعال بی‌معناست (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق، ۲۶۶/۱۲؛ ر.ک: صفری و امینی، مستندسازی قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در مقابله با استکبار، ۱۴۰۰: ۴۸).

سراغاز تکبر از شیطان بود و نخستین گناهی که در عالم به وقوع پیوست، تکبر و خودبرتربینی بود. او با سرپیچی از اجرای فرمان خداوند نسبت به سجده آدم، موجب سقوط از درگاه ربوبی شد (اعراف/۱۱-۱۳). به تعبیر امیرمؤمنان علی (علیه السلام): «او پیشوای متعصبان و سرسلسله مستکبران جهان است که اساس استکبار و تعصب را پی‌ریزی کرد و در برابر عظمت خداوند به ستیز و نزاع پرداخت. لباس استکبار بر تن پوشید و پوشش تواضع و فروتنی را فروگذاشت. به خاطر یک ساعت تکبر، عبادت شش هزار ساله‌اش را بر باد داد و از مقام و الای قرب الهی و هم‌نشینی با فرشتگان یکباره سقوط کرد.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خطبه ۱۹۲).

قرآن کریم یکی از شاخص‌های اصلی و نشانه‌های فرعون و از عوامل اصلی گمراهی و درنهایت هلاکت او و همراهانش را روحیه «استکبار و برتری‌جویی» ذکر کرده است و به دنبال آن، جرایم و مفسد او را که ریشه در این خوی زشت داشته برمی‌شمارد: «وَقَاوُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَأَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ» (عنکبوت/۳۹؛ قصص/۴).

وجود صفت رذیله کبر، مخصوصاً در کسی که در رأس حکومت بر مردم قرار می‌گیرد، موجب زیر پا گذاشتن حقوق مردم، نگاه کردن با چشم حقارت به دیگران، بی‌اعتنایی به جلب مصالح و دفع ضرر از آنان، به‌کارگیری تمام افراد و ابزار در خدمت منافع و اهداف خود، بدون نرمش در رفتار و با اعمال خشونت و ایجاد رعب و وحشت است.

از این رو می‌بینیم، فرعون به‌خاطر اسارت در دام صفت رذیله تکبر (قصص/۳۹)، خود را موجودی مقدس و قابل پرستش و ستایش دانسته، نه تنها حاضر به پذیرش بندگی خدا نبود؛ بلکه تا مرز ادعای «ربوبیت» پیش رفته است و فریاد «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات/۲۴) سر داده است و ندای «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى» (طه/۶۴) را بلند کرده، مردم را به اطاعت محض خود فراخوانده فرمان «مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِي» (قصص/۳۸) صادر کرده و خود را فرزند خورشید می‌دانست (ابن‌عاشور، التحرير و التتوير، ۱۴۲۰: ۱۹/۲۰؛ مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۹/۲-۳۰)

آنچه امروز نیز متأسفانه در جهان شاهد آن هستیم از ظلم‌ها، فسادها، جنگ‌افروزی‌ها و تجاوز به حقوق ملت‌ها، همگی سرچشمه‌گرفته از «قدرت‌های استکباری جهانی» بوده و ریشه تمامی نابسامانی‌های اجتماعی که بشریت گرفتار آن است و هیزم هر آتش فتنه‌ای که در هر گوشه از جهان برافروخته می‌شود را باید در «خوی مستکبرانه» سردمداران فاسد و قدرت‌های خودخواه و برتری‌جوی جهانی جستجو کرد.

آنچه به نام «حق و تو» در شورای امنیت برای قدرت‌های بزرگ وجود دارد نیز درحقیقت نوعی ادعای «حق ربوبیت» دنیا از سوی آنهاست. اینکه حق تعیین سرنوشت دولت‌ها و ملت‌ها، اعلام جنگ و صلح، تعیین معیارهای حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و تروریسم را در جهان از آن خود می‌دانند، با صدور قطعنامه‌های تحریم و تهدید علیه کشورهای مستقل و آزاد، در جهت تأمین منافع و مطامع قدرت استکباری خود، اقدام می‌کنند.

دو. کفر و سرکشی از حق

آلودگی به کفر، شرک، عناد نسبت به حق و سرپیچی از پذیرش آن، یکی دیگر از شاخص‌های نظام فرعون‌ی است؛ زیرا انسان متکبر تنها خود را می‌بیند و در محدوده منافع، شهوات و قدرت‌طلبی‌های خود می‌اندیشد. هیچ سخن حقی را نمی‌شنود که در تضاد با آن باشد و به مخالفت و مبارزه با آن برخاسته، سر به طغیان و سرکشی برمی‌دارد. خداوند در اثر لجاجت مستکبران در برابر حق، چنان آنان را مجازات می‌کند که بر دل‌های آنها مهر می‌زند (غافر/۳۵ و ۵۶)، پرده‌ای ظلمانی بر عقل و قلب آنها می‌اندازد که در برابر حق مقاومت می‌کنند. به‌گونه‌ای که اگر تمام آیات الهی و معجزات گوناگون را ببینند، باز ایمان نمی‌آورند. اگر راه راست را در مقابل آنان بنهند، از آن راه نمی‌روند. اگر طریق گمراهی را مشاهده کنند، فوراً آن را به‌عنوان طریق و مسلک خود برمی‌گزینند (اعراف/۱۴۶).



این حقیقت را در برخورد فرعون در برابر موسی (علیه السلام) به خوبی مشاهده می‌کنیم که پس از ابلاغ رسالت، ارائه معجزات و دلایل روشن بر وحدانیت خداوند، بدون آنکه عذری برای فرعون باقی باشد، او همچنان بر کفر و عناد خود اصرار ورزید (یونس/۷۵-۷۶)، حاضر به ایمان به پیامبر خدا و قبول رسالت الهی او نشد. با آنکه معجزات و نزول انواع بلاهای پی‌درپی را با چشم خود می‌دید (اعراف/۱۳۰ و ۱۳۳)، نه آنکه خبر آن را بشنود. با آنکه در اعماق دلش هم قانع شده، حقیقت را یافته حقانیت موسی (علیه السلام) را باور کرده بود (نمل/۱۳-۱۴؛ اسراء/۱۰۲)؛ اما علاقه‌اش به قدرت، چشم و گوش او را کور و کر کرده، در برابر حق عناد و می‌ورزید و با تکذیب آیات الهی (طه/۵۶)، سرپیچی از پذیرش آن، راه طغیان را پیمود و خود را برتر از آن می‌دید که ایمان آورده و تسلیم شود. می‌گفت: آیا ما به دو انسان همانند خودمان (موسی و هارون) ایمان بیاوریم. درحالی‌که قوم آنها بردگان ما هستند (مؤمنون/۴۸-۴۵). حتی در لحظه آخر، وقتی در تعقیب موسی (علیه السلام) و بنی اسرائیل به کنار دریا رسید و شکافته شدن دریا را با چشم خود دید، باید می‌فهمید که عامل این امر، خدایی است که قادر بر هر چیز است و باید قبل از وارد شدن در دریا ایمان می‌آورد؛ اما در عین حال بر کفر خود باقی ماند و ایمان به خدا و روز قیامت نیاورد و در دریای قهر الهی غرق گردید (قصص/۳۹-۴۰؛ غافر/۲۷). با اینکه گفته‌اند او اهل فکر و عقل بوده و او را «افلاطون قبط» لقب داده‌اند؛ اما حجاب‌هایی که بر عقل و قلب او زده شده بود، مانع از شناخت و پذیرش حق گردید (اقتباس از: صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۶: ۳/۳۶۱؛ رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳/۵۱۰؛ زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۸: ۱۶/۲۳۲. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۵: ۲/۳۲-۳۵).

روشن است که داستان فرعون نمونه‌ای از منکران حق و قدرت‌های طغیانگری است که در همیشه تاریخ در برابر پیامبران الهی و رهبران عدالت و آزادی بوده است. امروز هم سردمداران کفر و استکبار جهانی همان راه آنان را می‌روند. اینان نیز با آنکه حقایق را جلوی چشمشان می‌بینند و می‌دانند که چه کسی متجاوز و کدام مظلوم است؛ اما آن را نادیده می‌گیرند؛ چراکه حجاب کفر و غرور بر چشم و دلشان زده شده، حق را باطل و باطل را حق می‌بینند. نشانه‌های حق را با همه روشنی آن نادیده گرفته، قدم در راه ضلالت گذارده، گمان می‌کنند در مسیر سعادت گام برمی‌دارند. اینان با نادیده گرفتن حقایق، از روی عناد و سرکشی، ظالم را به جای مظلوم نشانده، تروریست را آزادی‌خواه لقب داده، متجاوز را صلح‌طلب معرفی کرده، حکومت‌های استبدادی را مدافع حقوق بشر و ترقی‌خواه می‌نامند. با انواع توطئه‌ها و جنگ‌افروزی‌ها، به دنبال غارت ثروت ملت‌ها، نابودی حرث و نسل آن‌ها، تأمین منافع خویش و استحکام پایه‌های قدرت استکباری خود هستند.

سه. استبداد رأی و سلب آزادی‌های عمومی

آزادی همزاد آدمی و برترین گوهری است که انسان در اختیار دارد. این اهمیت، جایگاه و یژه‌ای را در اندیشه‌ها و مکاتب مختلف برای آزادی ایجاد کرده است و به تبع آن، تعاریف و برداشت‌های متفاوت و متعددی از آزادی ارائه شده است. آزادی سیاسی که به تبع آزادی با گوناگونی تعاریف و برداشت‌ها روبرو است، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی دولت‌های مدرن، به عنوان نقش مشروعیت‌بخش قدرت سیاسی مورد توجه است. آزادی مردم در احراز مناصب سیاسی و رقابت برای تصدی آنها و همچنین نقش و تأثیر ایشان در انتخاب رهبران و مسئولان حکومتی و نظارت بر آنان، مجموعه مباحث مهمی است که ذیل آزادی سیاسی و به عنوان دستاوردهای نسبتاً جدید بشری مطرح می‌گردد (رک: لک‌زایی و نظری، قرآن و آزادی سیاسی، ۱۳۹۹: ۱۲۴).

یکی از اقسام و مصادیق آزادی، آزادی سیاسی است به این معنا که انسان در اجتماع خود آزاد باشد تا بتواند نوع حکومت و سیاست‌های آن را انتخاب کند و در چارچوب احزاب و تشکلات اراده سیاسی خود را اظهار و اعلام و به عرصه عمل و ارد کند.

برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: فصلنامه قرآن و علم، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش، ص ۱۹۲.

یکی دیگر از شاخص‌های نظام فرعون‌ی آن است که آنان دیدگاه فکری خود را برتر از دیگران می‌دانند و از هیچ کوششی برای جامه عمل پوشیدن به آنچه اراده کنند و تشخیص دهند، دریغ نمی‌ورزند. همیشه رأی خود را مطابق حق، لازم‌الاجرا و برهمگان مقدم می‌دانند. در برابر آن هیچ‌گونه حق رأی و نظری برای دیگران قائل نبوده، به فکر آنان ارزش نمی‌دهند.

وقتی مؤمن آل فرعون با سخنان حق و هشدارهای دل‌سوزانه‌اش مخالفت خود را با توطئه قتل موسی (علیه السلام) ابراز می‌کند، فرعون آن را برتافته، فریاد می‌زند: «قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ» (غافر/۲۹). او با این سخن، نظر خود را حاکم دانسته، تنها راه صحیح را در کشتن موسی (علیه السلام) می‌داند و می‌گوید: دستور، همان است که من گفتم.

هنگامی که ساحران با دیدن معجزات آشکار موسی (علیه السلام)، ایمان خود را به خداوند اعلام کردند نیز فرعون با کمال گستاخی اظهار کرد: «قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ» (اعراف/۱۲۳؛ طه/۷۱؛ شعرا/۴۹)؛ یعنی معتقدات قلبی و احساسات باطنی مردم نیز، باید تابع هوا و هوس او باشد و مردم عقل و شعور خود را کنار بگذارند و چیزی را بدون اذن او نپذیرند و معتقد نشوند. تا آنجا که اگر کسی بخواهد به خدای جهان ایمان بیاورد، باید از او اجازه بگیرد. نه تنها حکومت بر جسم و جان مردم که بر



قلب و اندیشه آنها هم در اختیار اوست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۹۹-۱۸۹؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۳/۲۴۷-۲۵۵؛ ۲۰/۸۶). این نشانه کمال استبداد و دیکتاتوری و سلب آزادی‌های عمومی در نظام فرعونی است.

امروز نیز، در نظام استکباری و حکومت‌های طاغوتی شاهدیم که با «استبداد و سلب آزادی»، خود را برتر از همه دانسته، دیگران را تحقیر کرده، هیچ جایگاهی برای رأی و نظر مردم قائل نیستند و به دنبال توسعه و استحکام سلطه و سیطره خود بوده، دیگران را بردگانی می‌دانند که باید در خدمت اهداف آنان باشند. تحمل هیچ‌گونه نظر مخالف را نداشته، اجازه طرح آن را نمی‌دهند و به شدت آن را سرکوب می‌کنند. هر فریاد اعتراض، انتقاد و مخالفتی را خاموش کرده و از صحنه بیرون می‌کنند یا از مقاومت باز می‌دارند. هر ندای آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی را در نطفه خفه می‌کنند و در مقابل هرکس را که چشم‌وگوش بسته تسلیم و به قربان گوی آنان باشد و زبان و قلم به تملق و چاپلوسی از افکار و اندیشه‌های پوسیده آنان بگشاید، تجلیل می‌کنند.

آنان به‌صورت مدرن و مرموزانه با استفاده از انواع وسایل تبلیغاتی، اعمال انواع تحریف‌ها، شایعات، دروغ‌ها، سانسورها، افکار عمومی را به‌سوی اهداف و خواست خود هدایت کرده، قدرت تفکر و اجازه اندیشیدن مستقل را از مردم می‌گیرند و حتی گاهی به نام آزادی اندیشه، آن را از مردم سلب آزادی می‌کنند. با خودمحموری تلاش می‌کنند در همه جا و همه امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همه چیز را در قبضه خود گرفته، همه مراکز قدرت را در اختیار خود دارند و دیکتاتوری مطلق را حاکم کرده، محور تمامی تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باشند.

چهار. استخفاف و استضعاف همه‌جانبه

قرآن کریم، از دیگر شاخص‌ها و راه‌ورسم نظام فرعونی را، رفتار او با اطرافیان و قوم خودش که طرفداران و پیروان او بودند، با تعبیر «استخفاف» بیان کرده است که نشانگر تحقیر و سرکوب شخصیت آنان و جلوگیری از رشد فکری و آگاهی آنهاست تا با سبک مغزی و زبونی، اطاعت کورکورانه او را بپذیرند (زخرف/۵۴). در مورد برخورد او با بنی اسرائیل نیز تعبیر «استضعاف» را به کار برده است (قصص/۴) که بیانگر به ضعف کشیدن و از بین بردن توان آنان در همه ابعاد است تا قدرت ایستادگی در برابر حکومت جابرانه خود را از آنان سلب کند. همچنین او بنی اسرائیل را بردگان خود می‌داند (مؤمنون/۴۷؛ شعراء/۲۲)؛ و خداوند نجات آنان از شکنجه‌های ذلت‌بار فرعون را نعمتی الهی بر آنان برمی‌شمرد (دخان/۳۰-۳۱)؛ اما به فرموده قرآن، راه فرعون و استکبار هیچ‌گاه مایه رشد و سعادت مردم نبوده آنان هیچ‌گونه خیرخواهی برای ملت‌ها ندارند؛ بلکه پیشوایانی هستند که قومشان را در دنیا و آخرت گرفتار عذاب الهی کرده، آنان را به‌سوی آتش رهبری می‌کنند (هود/۹۷-۹۹؛ قصص/۴۱-۴۲) و جز فساد، عقب‌ماندگی، بردگی و ذلت، ارمغانی برای مردم ندارند (نمل/۳۴).

شیوة «استخفاف» و «استضعاف» ملت‌ها و به بردگی و ذلت کشیدن آنها را امروزه نیز شاهد هستیم که چگونه قدرت‌های استکباری برای تحکیم پایه‌های نظام ظالمانه خود با انواع ترفندها، از رشد فکری، علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملت‌ها جلوگیری می‌کنند. از سویی با تحمیق و تحقیر مردم از نظر روحی این‌گونه القا می‌کنند که «شما نمی‌توانید»، قدرت پیشرفت و ایستادن بر روی پای خود و رسیدن به قله‌های بلند دانش و فناوری استقلال و خودکفایی در ابعاد گوناگون را ندارید. با به‌کارگیری انواع وسائل ارتباط جمعی و ابزارهای تبلیغاتی و سرگرمی، تلاش می‌کنند تا ملت‌ها را در عقب‌ماندگی و بی‌خبری کامل و جمود و خمود فکری نگه دارند. جلوی شکوفایی و رشد استعدادهای آنان را بگیرند و زمینه‌های وابستگی علمی، اقتصادی، نظامی و سیاسی آنان را فراهم کنند؛ زیرا مستضعف کسی نیست که ضعیف و فاقد قدرت باشد؛ بلکه آنان دارای نیروهای بالفعل و بالقوه‌ای هستند که باید زمینه رشد آنها فراهم شود؛ اما از ناحیه ظالمان تحت فشار قرار گرفته و به ضعف کشیده شده‌اند. از سوی دیگر، شعار وجود فضای آزاد جریان اطلاعات سر می‌دهند؛ اما با ایجاد «انحصار علمی و فناوری»، مانع دستیابی کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه به دانش و تکنولوژی‌های جدید می‌شوند. آنان شدیدترین انحصار خبری را برای خود ایجاد می‌کنند و سخت‌ترین پنهان‌کاری نسبت به اطلاعات واقعی را اعمال کرده، با انواع ترفندهای رسانه‌ای، با تحریف حقایق آن را وارونه جلوه می‌دهند.

پنج. ایجاد اختلاف و استقرار نظام طبقاتی

از برنامه‌های مستکبران و جهان‌خواران، برای گسترش سلطه و نفوذ خویش بر دیگر جوامع، ایجاد اختلاف و دودستگی در میان افراد آن جوامع هست که مردم را به نحله‌های قومی، مذهبی، منطقه، حزبی، گروهی و... تقسیم کنند تا بر آن‌ها فرمانروایی کنند، چون وحدت و یکپارچگی ملت‌ها مانع نفوذ آنها است. استکبار از این ترفند برای شکست اراده ملت‌ها استفاده کرده است تا بتواند اراده استقلال‌خواهی و استکبارستیزی را در میان ملت‌ها درهم شکند؛ چراکه وحدت ملت‌ها مانع اجرای منویات آنهاست (صفری و امینی، مستندسازی قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در مقابله با استکبار، ۱۴۰۰: ۵۲).

قرآن کریم در بیان یکی دیگر از ویژگی‌های حکومت فرعون، فرموده است که او مردم را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد (قصص/۴)؛ گروهی از مردم مملکت خود را به ضعف و ناتوانی کشیده، حقوق آنان را پایمال می‌کرد و میان آنان با دیگران به تساوی و عدالت رفتار نمی‌کرد. در حالی که آنان نیز مانند دیگران در آن سرزمین حق حیات و بهره‌مندی از امکانات و فرصت‌ها را به‌صورت برابر داشتند. این طائفه مستضعف، بنی اسرائیل بودند که به نام «سبطیان» شناخته می‌شدند و فرعون با ایجاد نظام



طبقاتی، آنان را به بردگی کشیده و کارهای سخت و دشوار را بردوش آنان می‌گذارد و فقر و تنگدستی را برآنان تحمیل کرده، از همه حقوق شهروندی محرومشان ساخته بود. درمقابل آنان، گروه «قبطیان» قرار داشتند که مقربان دربار فرعون بوده و از تمامی وسائل رفاهی و امکانات کاخ‌ها و ثروت‌ها برخوردار بوده، پست‌های حکومت در اختیارشان بود. بدین گونه، فرعون اقلیتی را بر اکثریت مسلط ساخته بود و برای تحکیم قدرت خود، گروهی را تقویت کرده همراه خود و برخوردار از تمامی مواهب نموده و گروهی را تضعیف کرده و تحت سلطه قرار داده بود.

روشن است که این سیاست و روش، عامل ایجاد دشمنی میان اقشار یک جامعه می‌شود و زمینه برانگیختن حسادت و کینه میان آنان را فراهم می‌سازد؛ زیرا گروهی در تلاش برای استیفای حقوق خود در پی تغییر و وضعیت و به زیر کشیدن گروه برخوردار از قدرت و خروج خود از ذلت هستند و گروهی در پی دست‌اندازی به ثروت و استحکام قدرت و تضعیف هرچه بیشتر گروه تحت سلطه خود هستند. در چنین شرایطی هر روز، هر گروه در فکر نقشه و توطئه علیه گروه دیگر است.

بنابراین، یکی دیگر از شاخص‌های نظام فرعونی که امروز نیز یکی از اصول حاکم بر تفکر سیاسی حاکمان مستکبر است، ایجاد اختلاف میان ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون است؛ زیرا آنان خود از مردم جدا بوده، پایگاهی در میان آنان ندارند. ازاین‌رو همیشه از وحدت ملت‌ها وحشت داشته آن را در تضاد با منافع و مخالف با تداوم سلطه ظالمانه خود می‌دانند. پیوسته در تلاش برای ایجاد اختلاف میان مردم و اصناف مختلف جامعه هستند تا به‌صورت‌های گوناگون به اختلافات قومی و طائفه‌ای، نژادی و زبانی، سیاسی و مذهبی دامن بزنند و با ایجاد فاصله‌های طبقاتی و دسته‌بندی‌های فکری و حزبی، مردم را به گروه‌های مختلف تقسیم کنند. هرچند ظاهر این تقسیمات متفاوت است؛ اما حقیقت و جوهر آنها یکی است و ابزاری برای تداوم سلطه قدرت‌های طاغوتی است. آنان به پیروی از اصل «فَرَّقْ تَسُدْ» (جدایی بینداز و حکومت کن)، مردم را سرگرم انواع اختلافات بی‌حاصل کرده، آنها را به جان یکدیگر می‌اندازند تا اتفاق کلمه پیدا نکرده، یک‌دل و یک‌جهت نشوند و نیرویشان را صرف نزاع و خنثی‌سازی یکدیگر کرده، توان پایداریشان را از آنها بگیرند و نتوانند علیه آنان قیام کرده و بشورند تا آنها بتوانند در سایه آن، به حاکمیت استبدادی خویش ادامه دهند (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۱۹: ۲۶۲/۹).

شن. اشرافی‌گری

یکی از مشخصات بارز فرعون «اشرافی‌گری است». خداوند فرعون و قومش را صاحب کاخ‌های مجلل و با عظمت، بناهای برافراشته و پرزرق و برق، دارای باغ‌ها و چشمه‌های بسیار، زراعت‌ها و قصرهای زیبا، غرق در رفاه و نعمت‌های فراوان دیگر معرفی می‌کند که وقتی مهلت‌شان به سر رسید،

آنان را از آنجا اخراج کرده و کاخ‌ها را ویران نمود و بنی اسرائیل را وارث اموال و حکومت آنان گردانید (اعراف/۱۳۷؛ شعراء/۵۷-۵۹؛ دخان/۲۵-۲۷). او با فخر فروشی بر مردم، به آنان خطاب می‌کند: ﴿يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (زخرف/۵۱).

این تفکر حاکم بر نظام‌های استکباری است که حاکمان خود را مالک مُلک و ملت می‌دانند و اموال و ثروت‌های عمومی را در دست خود دانسته، به‌عنوان اموال شخصی به حساب می‌آورند و هرگونه دخل و تصرف در آن را برای خود جایز می‌شمارند. از این رو با سوء استفاده از ثروت ملت، برای خود کاخ‌های مجلل بنا می‌کنند (شعراء/۱۲۸-۱۳۰). هر روز بر زرق و برق و تجملات و تشریفات زندگی خود و اطرافیان‌شان می‌افزایند و با هزینه‌های گزاف و بی حساب و کتاب در میهمانی‌ها، شب‌نشینی‌ها، سفرها، هدایای انواع لباس‌ها و مرکب‌ها، به زندگی اشرافی، رفاه‌طلبی و اسراف‌کاری می‌پردازند. بدین گونه حقوق و اموال مردم را پایمال کرده، خشم، نفرت، کینه و دشمنی محرومان را علیه خود بیشتر می‌سازند و در مقام رفتار با آنان با خشم و خشونت برخورد می‌کنند و اموال عمومی را در راه استحکام قدرت خود و مبارزه با حق و حق‌طلبان و تطمیع مخالفان، صرف می‌کنند.

آنان با «خودخواهی» تنها به منافع خویش می‌اندیشند و در پی برخوردار کردن نزدیکان و وابستگان خود از امکانات و مواهب بیشتر هستند. برای حقوق و حدود مردم ارزشی قائل نبوده، آن را پایمال و مورد تجاوز قرار می‌دهند و فرصت‌ها را در انحصار خود در می‌آورند. سرمایه‌ها و ثروت‌های عمومی را غارت کرده، آن را در راه عیاشی‌ها، شهوت‌رانی‌ها و هوسرانی‌های خود صرف می‌کنند و به اسراف‌کاری می‌پردازند. امروزه نیز سردمداران نظام استکباری نه تنها به اسراف‌کاری در مصرف درآمدهای کشور و ملت خود اکتفا نکرده، مالکیت آن را از خود می‌دانند؛ بلکه به غارت و چپاول ثروت دیگر ملت‌ها پرداخته، آن را هم از آن خود دانسته، با جنگ‌افروزی و لشگرکشی به دورترین نقاط دنیا ادعا می‌کنند که «ما در آنجا منافع داریم» و «منافع ما در خطر است». در پی این بهانه، درحالی‌که به‌ظاهر اظهار دوستی و شعار صلح‌طلبی و دفاع از آزادی و دموکراسی و حقوق ملت‌ها را سر می‌دهند؛ اما با کینه و دشمنی که در دل دارند، به دنبال غارت ثروت آنان هستند (بقره/۲۰۴-۲۰۵؛ نمل/۳۴).

هفت. استفاده ابزاری از دین، مقدسات و اعتقادات مردم

فرعون از سویی در برابر پیام حق ایستادگی کرده، پیامبر راستین الهی را تکذیب می‌کند و معجزات آشکار او را انکار می‌نماید، از سویی دیگر برای تحریک مردم به مخالفت با موسی (علیه السلام) و طرح توطئه قتل او، با تظاهر به دین‌داری و دلسوزی برای دین آنان، می‌گوید: من می‌ترسم که او دین شما را تغییر دهد و آیین نیاکانتان را از بین ببرد و برهم زند (غافر/۲۶؛ طه/۶۳؛ سبأ/۴۳).



در حالی که دین از دریچه فکر فرعون، جز پرستش او یا بت‌های دیگر چیزی نبود؛ آیینی که در مسیر تخدیر و تحمیق مردم و وسیله‌ای برای مقدس شمردن سلطه جابرانه فرعونی بود؛ اما او مردم را این‌گونه تحریک می‌کند که اگر آیین موسی (علیه السلام) در قلوب مردم نفوذ کند، آیین مقدس بت‌پرستی که حافظ منافع و قومیت شماست، جای خود را با آیین توحیدی بر ضد شما می‌دهد. او قبطیان را این‌گونه تحریک می‌کرد که موسی و هارون می‌خواهند طریقهٔ مثلاً و الگوی شما و سنت قومیتان را که همان وثنیت است و قرن‌ها در میان شما حکومت داشته و گوشت و پوست و استخوانتان بر آن روئیده، از بین ببرند (طه/۶۳). معلوم است که مردم عوام، آیین‌شان برای آنان مقدس بوده، به دفاع از آن برخاسته و حاضر نیستند آن را از دست بدهند.

آنچه در نظام استکباری به‌عنوان یک شاخص و نشانهٔ اساسی مورد توجه است و پایه اصلی همه سیاست‌ها و برنامه‌ها بر آن قرار دارد، تأمین منافع و مطامع، شهوات و هوا و هوس‌ها، حفظ قدرت و تحقق اهداف سیاسی زمامداران آن است. تمامی عوامل و امور مادی و معنوی، به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به این هدف و تأمین این غایت، استخدام شده و به کار گرفته می‌شود. از این رو یکی دیگر از ویژگی‌های این نظام آن است که سردمداران آن، آنجا که احساس کنند قدرت و حکومت‌شان مورد تهدید قرار گرفته است می‌توانند از دین و مقدسات به‌عنوان ابزاری برای استحکام یا توسعهٔ قدرت خود استفاده کنند، تظاهر به دین‌داری کرده، به‌ظاهر خویشتن را طرفدار دیانت قلمداد می‌کنند. بدین‌گونه که اعتقادات، مقدسات و ارزش‌های مورد احترام مردم را چه حق باشد یا باطل، ابزاری برای حاکمیت خویش قرار می‌دهند. از سوی دیگر با تحریف حقایق اصیل دینی، دین را آن‌گونه تبلیغ و تفسیر می‌کنند که در جهت تحکیم پایه‌های حکومت آنان باشد. با هر نوع تفکر دینی ناب که در جهت آگاهی‌بخشی به جامعه و آزادی مردم از چنگال حکومت استبدادی و سلطه استعماری آنان باشد، با تمام قدرت مبارزه می‌کنند.

هشت. پیمان‌شکنی

برخورد فرعون و اطرافیان او را هنگام نزول عذاب‌های پی‌درپی می‌بینیم که در هر مرتبه، از موسی (علیه السلام) درخواست می‌کردند که از خدا بخواهد تا عذاب برطرف شود و متعهد می‌شدند که در آن صورت ایمان آورده بنی اسرائیل را نیز آزاد می‌سازند؛ اما وقتی عذاب از آنان برطرف می‌شد، پیمان‌شکنی کرده بار دیگر طغیان و سرکشی خود را استمرار می‌بخشیدند (اعراف/۱۳۵؛ زخرف/۵۰).

این خوی استکباری همه سردمداران کفر و شرک است که قرآن کریم آن را به‌عنوان مجوزی برای اعلان جنگ و جهاد از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر آنان بیان کرده؛ چراکه آنها هیچ‌گونه تعهد و پابندی به پیمان‌های خود ندارند (توبه/۱۲)؛ و تنها براساس منافع و مطامع خود بر طبق موقعیت و شرایط تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند.

در نظام‌های استکباری، تأمین منافع صاحبان قدرت و ثروت و استحکام پایه‌های حکومت برای آنان اصل بوده، همه چیز ابزاری در جهت رسیدن به این هدف است. یکی از اموری که در این نظام‌ها استفاده ابزاری از آن می‌شود، انعقاد قراردادها و پیمان‌های بین‌المللی است؛ زیرا پای‌بندی قدرت‌های طاغوتی به تعهدات خود تا زمانی است که تأمین‌کننده منافع آنان در جهت تحکیم قدرت و حفظ موقعیت‌شان باشد. هرگاه در طرف مقابل خود احساس ضعف نموده، خود را در موضع قدرت ببینند و امکان غلبه بر او را پیدا کنند، پای‌بندی به تعهدات و پیمان‌ها را تأمین‌کننده قدرت طلبی و سلطه‌جویی خود ندانند یا آن را در تضاد با منافع خویش ببینند، به‌صورت یک‌جانبه آن را لغو کرده زیر پا می‌گذارند.

نه. ایجاد فضای تهدید و اقدام به خشونت

وقتی حضرت موسی (علیه السلام) فرعون را دعوت به سوی توحید می‌کند، او با زبان تهدید و وعید با جرئت و جسارت به پیامبر خدا می‌گوید: اگر خدایی غیر از من را بپذیری، تو را به زندان می‌اندازم (شعرا/۲۹). آنگاه که موسی (علیه السلام) با ارائه معجزات و دلایل روشن و منطق نیرومند خود، فطرت‌ها را بیدار کرده، دل‌ها را متوجه خویش نموده، پیام توحید او رو به گسترش نهاده گروهی در فضای ترس و ارباب‌فرعونی به او ایمان آورده‌اند (یونس/۸۳)، بزرگان و وابستگان به دستگاه فرعون که موقعیت خویش را در خطر می‌دیدند، او را تشویق و تحریک به مقابله و سرکوب حرکت موسی (علیه السلام) می‌کنند. فرعون نیز که از مقابله منطقی با او عاجز مانده، فوراً درخواست آنان را اجابت کرده، دستور کشتار فرزندان بنی‌اسرائیل و اعمال فشار بر آنان را صادر می‌کند تا آنان را مغلوب قدرت خود بسازد و به ذلت تسلیم و خضوع در برابر خویش بکشانند (غافر/۲۶-۲۵؛ اعراف/۱۲۷؛ زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۸: ۹/۵۵).

هنگامی که ساحران ایمان خود را به خدا ابراز می‌کنند نیز فرعون آنان را تهدید می‌کند که آنان را شکنجه داده و با قطع دست و پای آنان از چپ و راست به قتل می‌رساند (اعراف/۱۲۴). آخرین تیری که مستکبران و طاغوت‌ها در ترکش خود دارند و با ناامید شدن از تأثیر دیگر حرب‌هایشان آن را به کار می‌گیرند، اعمال کردن تهدیدات خود و اقدام به قتل و شهادت پیامبران الهی و آزادمردان راه حق و عدالت و آزادی است (آل‌عمران/۲۱ و ۱۱۲؛ بقره/۶۱، ۸۷، ۹۱؛ نساء/۱۵۵؛ مائده/۷).

آنان وقتی صبر و استقامت، صلابت و متانت، پایداری و جدیت رسولان خدا و پیروان راست قامتشان را می‌بینند و روحیه بلند ایمان، توکل، پایداری، عدم سستی و تسلیم و سازش‌ناپذیری را در آنان مشاهده می‌کنند (آل‌عمران/۱۴۷-۱۴۶؛ ابراهیم/۱۲)؛ و تأثیر عمیق سخن حق و فریاد



عدالت‌خواهیشان را در دل‌ها و اندیشه‌های مردم احساس می‌کنند (اعراف/۱۲۷)، برای حفظ قدرت و موقعیت خود، دست به خشونت و جنایت زده با آتش زدن و کشتن پیامبران الهی (انبیاء/۶۸؛ عنکبوت/۲۴) و رهبران توحیدی و مصلحان اجتماعی و منادیان آزادی و عدالت (آل عمران/۲۱)، جامعه انسانی را از وجود این بزرگ‌ترین نعمت‌ها و مواهب رحمانی، محروم می‌سازند. بنابراین، یکی دیگر از نشانه‌های قدرتمندان طاغوتی از گذشته تاکنون این بوده، که با تکیه بر سرنیزه، فضای رعب و وحشت و ترس و تهدید را در میان جامعه حاکم ساخته، قدرت و سلطنت خود را به رخ مردم کشیده با «ایجاد فضای ترس و تهدید» و «اقدام به قتل و خشونت»، اعمال شکنجه‌ها و آزارها و ریختن خون افراد به ناحق، در پی استحکام و توسعه سلطه خود بر دیگران هستند.

ده. توهم اقتدار و پایداری نظام سلطه

یکی دیگر از ویژگی‌ها و شاخص‌های نظام فرعونی و قدرت‌های استکباری آن است که پایه‌های حکومتشان براساس نیروهای نظامی و اطلاعاتی و برخورداری از انواع تجهیزات و سلاح‌های مدرن استوار است. از این رو دچار توهم شده گمان می‌کنند از اقتدار برخوردار بوده، دارای حاکمیت پایداری هستند. در تبلیغات عمومی نیز خود را مقتدر و مسلط بر اوضاع نشان داده، تلاش می‌کنند با زهر چشم گرفتن از مردم، به‌ویژه مخالفان، آنان را به تسلیم و اطاعت وادارند. با خدم و حشم و شوکت ظاهری خود نیز چه‌بسا چشم برخی را خیره کرده احساس کنند که آنان قابل زوال و نابودی نیستند (شعراء/۵۳-۵۶؛ زخرف/۵۱)؛ اما واقعیت آن است که چون این قدرت‌های ظاهری و مادی، ارتباط و اتصالی با مبدأ قدرت عالم و خداوند عزیز مقتدر ندارند، سرابی بیش نبوده، بسیار متزلزل و سست‌بنیان و پوшالی هستند و استحکامی ندارند و همچون لانه عنکبوت با وزیدن کمترین نسیمی فروپاشیده و نابود می‌شوند (عنکبوت/۴۱). این امر را ملت‌ها به‌صورت مکرر شاهد بوده و به چشم خود دیده‌اند که چه بسیار قدرت‌های جبار و ستمگر که آسیب‌پذیر بوده، طومار آنان با اراده الهی و بیداری و آگاهی ملت‌های در بند، درهم پیچیده و ساقط شده است و امروز اثری جز خبر و اسمی از آنان در کتب تاریخ، باقی نمانده است (مؤمنون/۴۴؛ انعام/۴۴-۴۵).

نکته در توجّه آن است که طاغوت‌ها و مستکبران با همه فریادهایی که سر می‌دهند و خود را نیرومند، متحد، هوشیار، آماده، مسلح و مسلط بر اوضاع نشان داده و مخالفان را ضعیف، اندک و کوچک می‌شمرند (شعراء/۵۴-۵۶؛ اعراف/۱۲۷)؛ اما خود بهتر از درون خود خبر داشته و بر تهی بودن شعارهای خویش واقفند.

نتیجه

آنچه از آیات قرآن و منابع تفسیری، حدیثی و تاریخی در زمینه بررسی شاخص‌ها و نشانه‌های نظام فرعون‌ی در تطبیق با روش‌های حاکمان نظام‌های استکباری و سردمداران کفر و شرک در طول تاریخ و امروز به دست می‌آید آن است که همگان در یک خط قدم برداشته با تکبر و سرکشی، استبداد و سلب آزادی، استخفاف و استضعاف همه‌جانبه جامعه، ایجاد اختلاف و برقراری نظام طبقاتی، تجمل‌گرایی، استفاده ابزاری از دین و اعتقادات مردم، پیمان‌شکنی، ایجاد فضای ترس و تهدید و سرانجام با قتل و خشونت، به مقابله با رهبران الهی و منادیان عدالت و آزادی و پیشوایان قیام‌های ضد استبدادی و ضد استکباری برخاسته، در تلاش برای جلوگیری از تابش نور توحید و خاموش کردن فریاد حق‌طلبی و آزادی‌خواهی آنان و تداوم سلطه استبدادی، استعماری و استکباری خود هستند و همگان روش‌ها و ویژگی‌های مشابهی داشته و دارند؛ اما در توهم بوده و نمی‌دانند که چون این قدرت‌های ظاهری و مادی، ارتباط و اتصال با مبدأ قدرت عالم و خداوند عزیز مقتدر ندارد، سرابی بیش نبوده، بسیار متزلزل و سست‌بنیان و پوشالی بوده، استحکام و پایداری نداشته، همچون لانه عنکبوت با وزیدن کمترین نسیمی فروپاشیده و نابود می‌شوند.



منابع

۱. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق
۳. ابن عاشور محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
۵. خزائلی، محمد، اعلام قرآن، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۰.
۶. رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر فخرالدین، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق / بیروت: دار العلم دار الشامیه، ۱۴۱۲.
۸. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، مشهد: مؤسسة طبع و نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۹. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸.
۱۰. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت / قاهره: دار الشروق، ۱۴۱۲.
۱۱. صدرالمآلهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۶۶ق.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۱۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲.
۱۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق محمود عادل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۸.

۱۷. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. صفری، علی آقا؛ امینی، میر عزیز، مستندسازی قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در مقابله با استکبار، فصلنامه قرآن و علم، سال ۱۵، ش ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۹. لک زایی، نجف؛ نظری، نصرالله، قرآن و آزادی سیاسی، دوفصلنامه قرآن و علم، سال ششم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۲۰. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷،
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق
۲۲. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران: انتشارات دار محبی الحسین (علیه السلام)، ۱۴۱۹.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۰.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶.
۲۵. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۸. میدی، احمد بن ابی سعد رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱.



References

1. Alusi, Seyyed Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim (The Spirit of Meanings in the Exegesis of the Great Quran)*, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, Beirut: 1415 AH (1994 CE).
2. Ibn Ashur, Mohammad bin Tahir, *Al-Tahrir wa al-Tanwir (The Liberation and Enlightenment)*, Arabic History Foundation, Beirut: 1420 AH (1999 CE).
3. Ibn Manzur, Mohammad bin Makram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Edited by Ali Shiri, Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, Beirut: 1408 AH (1988 CE).
4. Khazaeli, Mohammad, *A'lam al-Quran (World of the Quran)*, Amir Kabir, Tehran: 2nd Edition, 1350 SH (1971 CE).
5. Lackzaei, Najaf; Nazari, Nasrullah, *Quran va Azadi Siyasi (Quran and Political Freedom)*, Two-Quarterly Journal of Quran and Science, Volume 6, Issue 11, Fall and Winter 1399 SH (2020 CE).
6. Majlesi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Maktabat al-Wafa', Beirut: 1404 AH (1983 CE).
7. Makarem Shirazi, Naser, *Akhlaq dar Quran (Morality in the Quran)*, 4th Edition, Imam Ali bin Abi Talib (AS) Seminary School Publications, Qom: 1385 SH (2006 CE).
8. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemouneh (The Exemplar Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1374 SH (1995 CE).
9. Meybodi, Ahmad bin Abi-Sa'ad Rashid al-Din, *Kashf al-Asrar wa 'Iddat al-Abrar (Revealing Secrets and the Number of the Righteous)*, Amir Kabir, Tehran: 1371 SH (1992 CE).
10. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, *Amouzesh 'Aqa'id (Teaching Beliefs)*, Center for Printing and Publishing of Islamic Propaganda Organization, Tehran: 7th Edition, 1370 SH (1991 CE).
11. Modarresi, Seyyed Mohammad Taqi, *Min Huda al-Quran (From the Guidance of the Quran)*, Dar Mohib al-Hosseini (AS) Publications, Tehran: 1419 AH (1998 CE).
12. Moghniyeh, Mohammad Jawad, *Tafsir al-Kashif (The Revealer's Commentary)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1424 AH (2003 CE).
13. Mustafawi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran (Verification of Quranic Words)*, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: 1416 AH (1995 CE).
14. Qurashi, Seyyed Ali-Akbar, *Tafsir Ahsan al-Hadith (The Best Commentary)*, Foundation of Propagation, Tehran: 1377 SH (1998 CE).
15. Raghīb Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran (The Unique Terms in the Quran)*, Dar al-'Ilm li al-Shamiyyah, Damascus/Beirut: 1412 AH (1992 CE).
16. Razi, Abu Abdullah Mohammad bin Umar Fakhr al-Din, *Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen)*, Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420 AH (1999 CE).

17. Rohani, Mahmoud, *Al-Mu'jam al-Ihsai li Alfaz al-Quran al-Karim (The Statistical Dictionary of Quranic Words)*, Astan Quds Razavi Publishing, Mashhad: 1366 SH (1987 CE).
18. Sadr al-Muta'allihin, Mohammad bin Ibrahim, *Tafsir al-Quran al-Karim (Commentary on the Holy Quran)*, Bidar Publications, Qom: 1366 AH (1987 CE).
19. Safri, Ali-Agha; Amini, Mir Aziz, *Mustandsazi Qurani Didgah Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari dar Moghabeleh ba Estekbar (Documenting Quranic Views of the Supreme Leader on Countering Imperialism)*, Quarterly Journal of Quran and Science, Volume 15, Issue 29, Fall and Winter 1400 SH (2021 CE).
20. Sharif Razi, Mohammad bin Hossein, *Nahj al-Balagha (Peak of Eloquence)*, Edited by Subhi Saleh, Hijra, Qom: 1414 AH (1993 CE).
21. Shazili, Seyyed bin Qutb bin Ibrahim, *Fi Zilal al-Quran (In the Shade of the Quran)*, Dar al-Shuruq, Beirut/Cairo: 1412 AH (1991 CE).
22. Tabari, Abu Ja'far Mohammad bin Jarir, *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Comprehensive Explanation of Quranic Exegesis)*, Dar al-Ma'arif, Beirut: 1412 AH (1991 CE).
23. Tabarsi, Fadl bin Hasan, *Majma' al-Bayan (The Comprehensive Commentary)*, Nasir Khusraw, Tehran: 1372 SH (1993 CE).
24. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamadani, Office of Islamic Publications, Society of Teachers, Qom: 1374 SH (1995 CE).
25. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Office of Islamic Publications, Society of Teachers, Qom: 1417 AH (1996 CE).
26. Tureyhi, Fakhr al-Din, *Majma' al-Bahrain (The Confluence of the Two Seas)*, Edited by Mahmoud Adel, Office of Islamic Culture Publishing, Tehran: 2nd Edition, 1408 AH (1987 CE).
27. Tusi, Mohammad bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Clarification in Quranic Exegesis)*, Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, Beirut: undated.
28. Zuhaily, Wahbah bin Mustafa, *Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj (The Illuminating Commentary on Belief, Law, and Method)*, Dar al-Fikr al-Mu'asir, Beirut: 1418 AH (1997 CE).